

فرهنگ جامع
تفاوت‌های
ایران - جلد دوم

استان آذربایجان غربی

سرشناسه:	حبیبیان، ناصر، ۱۳۵۹
عنوان و نام پدیدآور:	فرهنگ جامع تماشاخانه‌های ایران / پژوهش و گردآوری ناصر حبیبیان، غزال رحمان پور، [برای] وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل امور هنرهای نمایشی، انجمن هنرهای نمایشی ایران.
مشخصات نشر:	تهران، انتشارات نمایش، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری:	ج. مصور (رنگی)، جدول (رنگی)، ۲۹×۲۲ س. م.
شابک:	دوره ۸-۰۰-۶۲۴۴-۶۲۲-۹۷۸ : ۳۰۰۰۰۰ ریال، ج. ۱-۵-۰۰-۶۲۴۴-۶۲۲-۹۷۸ : ۱۷۰۰۰۰ ریال، ج. ۲-۲-۰۰-۶۲۴۴-۶۲۲-۹۷۸ : ۱۷۰۰۰۰ ریال، ج. ۳-۹-۰۰-۶۲۴۴-۶۲۲-۹۷۸ : ۴۰۰۰۰۰ ریال، ج. ۴-۶-۰۰-۶۲۴۴-۶۲۲-۹۷۸ : ۲۰۰۰۰۰ ریال، ج. ۵-۳-۰۰-۶۲۴۴-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
مندرجات:	ج. ۱. استان آذربایجان شرقی، ج. ۲. استان آذربایجان غربی، ج. ۳. استان اردبیل، ج. ۴. استان اصفهان، ج. ۵. استان البرز
موضوع:	تماشاخانه‌ها - ایران
موضوع:	Theaters -- Iran
شناسه افزوده:	رحمان پور، غزال، ۱۳۶۰
شناسه افزوده:	ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. اداره کل امور هنرهای نمایشی
شناسه افزوده:	انجمن هنرهای نمایشی ایران
رده بندی کنگره:	۱۳۹۷ ح ۲۳ الف ۹۸۴۰/۶
رده بندی دیویی:	۷۲۵/۸۲۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی:	۵۳۰۱۶۹۶

نمایش

انتشارات نمایش

فرهنگ جامع تماشاخانه‌های ایران - ج ۵

(استان آذربایجان غربی)

پژوهش و گردآوری: ناصر حبیبیان، غزال رحمان پور

زیر نظر: جلال تجنگی

مدیر هنری: مسعود نوروزی

عکس: غزال رحمان پور

گروه مهندسی نقشه: ایمان غلامی نژاد، علی اکبر ردایی، لایلا اسفینی فراهانی، امید قهرمانلویی

دیجیتال و رایانه: میثم صفوی

ناشر: انتشارات نمایش

تیراژ: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مجتمع چاپ کوثر

قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۴۴-۰۰-۸

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۴۴-۰۲-۲



تماشاگاه دان عالم سراسر
تماشائی بکن از وی تو بگذر
عطارد

مقدمه

«طناتر» و معماری از هم سوا نیستند. «ماتنرون» مکانی برای دیدن و تماشاست. غفلت از معماری طناتر، غفلت از ذات طناتر است. بی‌توجهی به مکان اجرا، طناتر را از هویت و معنا تهی خواهد کرد. افزون بر این، معماری امروز ما و مکان‌هایی که در آن زندگی می‌کنیم جلوه و عرضه‌ای از شیوه زیست و اندیشه ماست. بی‌ریشه بودن بسیاری از مطالعات و پژوهشهای طناتر معاصر ایران، تحلیل بی‌دقتی و سهل‌انگاری نسبت به واقعیت‌های موجود است. در نبود داده‌های دقیق و جزئی‌نگر، اساس تحلیل‌ها چه مبنایی خواهد داشت و در چنین وضعی چگونه می‌توان درباره آسیب‌شناسی یا ساماندهی طناتر کشور سخن گفت؟ برای درک وضع موجود طناتر، و یا هر چه غیر طناتر، جز رفتن، دیدن، جستن و فیش‌برداریهای منظم چه می‌توان کرد؟ «فیلد رز کار»؛ «پراکسیس» مشاهده و حضور، کار طناتر را به بیراهه می‌کشاند. اساس این پژوهش بر مطالعه میدانی، داده‌پردازی و طبقه‌بندی است که یکی از اهداف اصلی آن کمک به شناخت شمایل راستین طناتر معاصر ایران است.

فرهنگ جامع تماشاخانه‌های ایران تا کنون در ۲۲ ساله‌ی سامان‌دهی طناتر کشور، صورت‌بندی شده و اینک، خوشبختانه یک به یک به زینت طبع آراسته می‌گردد. کار پژوهش این فرهنگ، بر اساس مشاهده و بازدید حضوری و تحلیل آثار و اطلاعات تالارهای نمایش در این استانها صورت گرفته است. نمونه این نوع پژوهش و شبیه به این، در کشورهای پیشرفته و صاحب‌تئاتر، متداول و مرسوم است و در تمام این کار نیز، به آن تجربیات، نگاهی گسترده شده است. امیدواریم کار چند استان باقی مانده نیز بزودی انجام و حاضر گردد. همچنین چون وضعیت تماشاخانه‌ها از نظر امکانات و تجهیزات، در تغییر و تحول است، لازم است تا در فواصل منظمی چون شش ماهه یا یکساله، این داده‌ها به روزآوری گردد.

۱
منشأ معماری و ساخت تالارهای موسوم به "چند منظوره" با اینکه اروپایی است اما در معماری ایران شکل و هیکلی تقریباً متفاوت از آن منظور یافته است. سالن چند منظوره به نوعی از معماری اشاره دارد که ملهم از معماری تالارهای قاب‌عکسی و پروستین ایتالیا است. این تالارها تنها برای اجرای تئاتر ساخته نمی‌شود و سخنرانی، مراسم تودیع معارفه، جنگ و مناسبت‌ها، جشن و همایش و اجتماعات هم در آن بطور گسترده برگزار می‌شود. در گذشته و در اصل مضیقه بودجه و امکانات باعث بوجود آمدن چنین شکلی در معماری شده است اما باید اذعان داشت امروزه توجه بیشتر و در دستور ساختن تالارهای بلک‌باکس‌ها، به جای صحنه‌های قاب‌عکسی، علاوه بر صرفه اقتصادی کارایی موثرتری در پی خواهد داشت.

تالارهای بلک‌باکس، به دلیل ایجاد ارتباط بی‌تفاخر و امکان چیدمان‌های وسیع‌ترشان برای طراحی صحنه بسیار مورد توجه و استقبال هنرمندان هستند. علاوه بر این بلک‌باکس‌ها می‌توانند کارکرد چند منظوره هم داشته باشند و پاسخگوی نیاز برنامه‌های غیرتئاتری هم باشند. این امر برای ساخت بلک‌باکس‌ها به مراتب زمان و هزینه کمتری صرف می‌شود و برای هنرمندان و دست‌اندرکاران فرهنگی هم کارایی بسیار بیشتری دارد. در حال حاضر در استان آذربایجان غربی درصد تالارهای ساخته شده دولتی در کشور بصورت قاب‌عکسی هستند.

۲
تکیه دولت، نخستین تماشاخانه به شیوه جدید در ایران است که سال ۱۲۵۱ خورشیدی تأسیس شد. شش سال پس از آن، در سال ۱۲۵۷، تماشاخانه دارالفنون گشایش یافت. تئاترهایی که به سبک فرنگی اجرا می‌شد به هیچ وجه تماشاگر عام نداشت و تنها برای دربار و شاه اجرا می‌شد. مفارن همین زمان ارمانه تبریز، تهران و رشت هم در ساخت و بنای مکان‌های نمایشی پیشگام شدند اما همچنان تماشاگران آنها شامل عموم مردم نبود. هنگامه انقلاب مشروطه اجرای تئاتر در پارک و باغ و محوطه‌های باز بیش از پیش رونق گرفت. انقلابیون تئاتر را به میان عموم مردم کشاندند و از این پس تماشاخانه‌های خصوصی موج تازه‌ای از اجرای تئاتر را پدید آوردند. تئاترهایی که تماشاگرانی از طیف‌های گسترده بدان راه یافته بود.

تأسیس "سالن تئاتر آرمیان" تبریز توسط موسیو آرمیان، "تئاتر ملی" در تهران توسط محقق‌الدوله، "تالار آوادیس" در رشت توسط آوادیس هوردانانیان مورد توجه و استقبال خاص و عام قرار گرفت. غیر از موارد معدودی، تا دهه چهارم صاحبان تماشاخانه‌ها عموماً دولت و حاکمیت نبود و روند ساخت و ساز و تأسیس تماشاخانه‌ها بطور خصوصی ادامه داشت. با اینحال گاهی حمایت‌های پراکنده دولتی از بعضی تماشاخانه‌ها صورت می‌گرفت. اما برای نخستین بار سال ۱۳۴۴ خورشیدی تماشاخانه سنگلج (۲۵ شه‌ریور) توسط دولت ساخته شد و حتی هنرمندان و عواملی هم به عنوان کارمند به استخدام آن درآمدند. از این زمان هم شکل جدیدی از تئاتر و هم رویه تازه‌ای از تماشاخانه‌سازی در ایران بوجود آمد. نسل جدیدی از نماینده‌نویسان، کارگردانان و بازیگران با به عرصه گذاردند و متناسب با آن معماری تازه‌ای هم در سر و شکل تئاتر قوام یافت. تماشاخانه سنگلج هنوز هم جزو معماریهایی کم‌نظیر تئاتر ایران است که معمار آن مهندس یوگنی آفتان‌دیلیان بود. او بعدها دو تالار مهم دیگر هم ساخت: تالار وحدت (رودکی) و تالار فخرالدین اسعد گرگانی (تئاتر گرگان). روند ساخت و ساز تئاترهای دولتی با تأسیس اداره تئاتر، تئاتر شهر و کارگاه نمایش ادامه یافت اما از سویی دیگر تئاترهای خصوصی بیشتر در انحصار برنامه دسته‌جات و گروه‌های موسوم به لاله‌زاری و کاباره‌ای درآمد. با وقوع انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی، تئاتر و تماشاخانه‌ها کمتر مجالی برای استقبال عموم یافت. این وضعیت تا چند سال بعد و بازسازی ویرانه‌های هم ادامه یافت. در این مدت و طی دهه ۶۰ و ۷۰ برگزاری جشنواره تئاتر فجر سهم بسزائی در رونق و حیات تئاتر داشته است. چند سالی است که روند ساخت و ساز تماشاخانه‌های خصوصی و دولتی سرعتی بیش از گذشته یافته است.

بیش از ۹۰ درصد یافته‌های این پژوهش، میدانی است و باقی آن با مراجعه به اسناد و کتابخانه‌ها و مراجع معتبر تهیه شده است. یافته‌ها شامل معرفی کلیه آمفی تئاترها و سالن‌های موجود در شهرهای مختلف ایران است که بصورت فعال و یا غیرفعالند که در حال حاضر در دسترس عموم قرار دارند و یا دسترسی به آن برای عموم ممکن است و به ویژه قابلیت اجرای تئاتر دارند. این معرفی به انضمام نقشه تماشاخانه‌ها، اطلاعات رقمی هر سالن و تصاویر از نماهای عمومی و جزئی آن است. این امکان معمولا زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پرورش و آموزش، بسیج، استانداری و فرمانداری، عموم اماکنی که در شهرهای مختلف مشهور به اجرای تئاتر هستند و گروه‌های برای اجرای تئاتر هستند؛ نهادهایی غیردولتی، سبک، بسیج، استانداری و فرمانداری، عموم اماکنی که در شهرهای مختلف مشهور به اجرای تئاتر هستند و گروه‌های تئاتری در آن اجرا داشته‌اند زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار دارند و از این نظر این پژوهش دربرگیرنده اطلاعات دقیق تمامی این اماکن است. پس از این شهرداری‌ها و آموزش و پرورش و اماکن دانشگاهی به ترتیب در اولویت موضوع قرار دارند. به دلیل آنکه سالنهای زیرمجموعه آموزش و پرورش و اماکن دانشگاهی عموماً برای استفاده دانش‌آموزان و دانشجویان در نظر گرفته شده‌اند دسترسی دیگر نهادها و عموم مردم به آنها کمتر امکانپذیر است. با این وجود این نهادها نیز چنانچه آمفی تئاترهایشان واجد امکانات موثری بوده مانع پژوهش و نگردیده و از قلم نیفتاده‌اند. به سخن دیگر، گرچه پژوهش حاضر دربرگیرنده اطلاعات جامع تمامی تالارهای فعال در زمینه نمایش کشور است با اینحال در سیاه مواضع تالارهای غیرفعال که امکان تهیه اطلاعات جامع و دقیق از آنها وجود داشته نیز غفلت نشده و به گستردگی پژوهش افزوده است.

گزارش‌ها درباره معماری، ابزار و وسایل کاملاً با دقت ثبت شده و مربوط به معیت است که در همان روز و ساعت بازدید مشاهده شده است. مثلاً مواردی نظیر تعداد پرژکتورهای شبکه نورخان و یا منابع نوری سالم همواره در معرض تغییر است. گاهی یک دست دایمر بنا به دلایلی موقتاً در دسترس نبوده باشد. به همه این موارد اشاره شده و هدف این بوده تا تصویری شفاف از همان وضعیت مشاهده شده به نظر مخاطب برسد. اول هر بخش مقدمه‌ای مبسوط درباره حفظ و نگهداری و راهنمای تماشاخانه‌ها و اصطلاحات معمول آمده است. پس از آن مقدمه‌ای کوتاه درباره موقعیت جغرافیایی استان و وضعیت تئاتر و تماشاخانه‌های آن، فهرست تالارهای هر استان، چه فعال و چه غیرفعال، آمده که این فهرست بر اساس حروف الفبا به ترتیب نام شهرستانها منظم شده است. در هر قسمت ردیفی که با رنگی، غیر از رنگ زمینه برجسته شده نشان دهنده آن است که در صفحات بعد بطور مشروح و مبسوط بدانها پرداخته شده و این یعنی تمامی تالارهای فعال و همچنین عموم تالارهایی که پیش از این فعال بوده‌اند و یا قابلیت فعالیت دارند اما تا کنون مورد استفاده قرار نگرفته‌اند و در این زمینه بتانسیل‌های بالقوه مربوط می‌شوند. اطلاعات جامع هر تماشاخانه شامل چهار بخش است: داده‌های توصیفی، رقمی، تحلیلی، کلی و جزئی هر تالار. در عکاسی از فضاهای داخلی و خارجی برای آنکه تصاویر به دقت دید طبیعی چشم انسان، نزدیک‌تر باشد و ماهیت مستندگونه آن حفظ شود از لنز واید پرهیز شد و برای عموم تصاویر از لنز نرمال استفاده گردید. تصاویر شامل نمای کلی و جزئی و زوایای مختلف تالار تماشا و صحنه، سقف صحنه، اتاق فرمان، سقف سالن تماشا، سالن انتظار و نمای بیرون تالار، بالکن، پشت صحنه و امکانات فنی است. از تصاویر جزئی هم عموماً این اطلاعات قابل مشاهده و برداشت خواهد بود: پوشش کف و دیوارها، اتاق گرم و فضاهای اضافی پشت صحنه، موقعیت اتاق فرمان، موقعیت صحنه، نقشه ترسیمی، بیشتر به مراد استفاده کنندگان اهل پرده، چیدمان صندلی و مبلمان تالار، سیستم خنک‌کننده و گرمایش، تجهیزات آتش‌نشانی، پلکان سن، راهروهای سالن تماشا، نور و میکسر صدا و امکانات خاصی نظیر درب ویژه دکور و راهروی پشت صحنه؛ نقشه ترسیمی تالار و پلان شماتیک هم بخشی دیگر از اطلاعات تصویری است. نقشه ترسیمی، بیشتر به مراد استفاده کنندگان اهل هنر تهیه شده تا مثلاً به طور ویژه معماران و مهندسان عمران. پلان شماتیک هم برای معرفی کلیت فضای صحنه و تالار و ورود و خروجها آورده شده. پلانهای که ترسیم شده، عموماً پلانهای است که با مراجعه حضوری گروه پژوهش در داخل تالار برداشت شده و این با نقشه معماری ساختمان و یا تالار ممکن است تفاوت داشته باشد. نقشه معماری در اینجا منظور نقشه‌ای است که ساختمان یا تالار بر اساس آن ساخته شده است. این نقشه‌ها ممکن است توسط پیمانکاران، بنا بر ملاحظات، هنگام ساخت بنا، بطور دقیق، اجرا نشده باشد. بنابراین اندازه‌ها و ابعادی که پلانهای این کتاب بر اساس آن ترسیم شده مربوط به پس از ساخت و احداث سالن است و بر اساس وضعیت موجود و شکل فعلی و اجرانشده تالارهاست. در مواردی نظیر تالار فخرالدین اسعد گرگانی به واسطه ارزش تاریخی و دقت کم‌نظیر معماری آن، همان نقشه و پلان اصلی معماری آورده شده است.

تا کنون اطلاعاتی با جامعیت و به صورت طبقه‌بندی شده از تماشاخانه‌های کشور وجود نداشته است. تنها کتاب در این زمینه همان «تماشاخانه‌های تهران از ۱۲۴۷ تا ۱۳۸۹ خورشیدی» بوده است که توسط انتشارات افراز، ۸ سال پیش منتشر شد. در به نمر رسیدن این اثر، تلاش گروه مهتدسان نقشه و دقت چشم‌فرسای مسعود نوروزی در گرافیک و صفحه‌آرایی سهمی به‌سزا داشته است. در همه مراحل انجام کار، نگاه دقیق و شکیبایی آقای جلال تجنکی همراه اثر و گروه پژوهش بوده و بسیار مؤثر واقع شده است. لطف بی‌مضایقه مجید داخ در تهیه فهرست اولیه تالارها بسیار کمک‌رسان بود. انجام این پژوهش اگر با حساسیت و درایت آقای مهدی شعبی، مدیر کل سابق هنرهای نمایشی نبود، شاید هیچگاه به ثمر نمی‌رسید. آقای ارمغان بهداروند؛ مدیرعامل سابق انجمن هنرهای نمایشی ایران و آقای اتابک نادری؛ مسئول امور استانهای اداره کل هنرهای نمایشی سنگ تمام گذاشتند. در به نتیجه رسیدن این اثر، همراهی صمیمانه آقای شهرام کریمی، مدیر کل هنرهای نمایشی ایران و حمید نیلی مدیرعامل فعلی انجمن هنرهای نمایشی ایران بسیار راهگشا بوده و هست. و با سیاست فراوان از مهدی حاجیان، لیلی غفاری، علی ایزدی، لیلا پاشاپور، فاطمه عزتی‌نژاد، جواد مستخدمی، لیلا مینایی، فاطمه عسگر بیوکی، روح‌اله ایرجی و قدردانی از آقای نصراله قادری، مدیر انتشارات نمایش و آقای علیرضا لطفعلی و سایر همکاران محترم این انتشارات که در چاپ و نشر این اثر، بی دریغ کوشیدند.